

مقاله پژوهشی: شاخصه‌های حکمرانی مطلوب «دولت تراز» انقلاب اسلامی، مطابق با بیانیه گام دوم

رحمان نجفی سیار^۱ / یوب نیکونهاد^۲

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۳/۰۳

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۵/۱۲

چکیده

یکی از اهداف متعالی انقلاب اسلامی ایران، کوشش در جهت دستیابی به «تمدن نوین اسلامی» است که بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب، صادره از سوی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مستلزم طی مراحل و فرآیندهای اساسی است. بر اساس سند متعالی انقلاب اسلامی در گام دوم؛ فرآیندهایی همچون شکل‌گیری انقلاب اسلامی، تشکیل نظام اسلامی، برپایی دولت اسلامی و تشکیل جامعه اسلامی برای دستیابی به این هدف مهم، یعنی تمدن نوین اسلامی تعریف شده است. علی‌رغم پیشرفت‌های قابل توجهی که در چهار دهه اولیه عمر انقلاب رخ داده، اما این فرآیند رو به پیشرفت، در سومین مرحله آن، یعنی «برپایی دولت اسلامی» با موانع و مشکل‌های جدی روبه‌رو بوده است و هنوز دولت تراز انقلاب اسلامی به نحوی که با استانداردها و معیارهای حداکثری دین اسلام و آرمان‌های انقلاب اسلامی هماهنگ و همسو باشد، در ایران شکل نگرفته است. به تصریح رهبر انقلاب، گام اصلی حرکت تمدنی انقلاب اسلامی در مقطع کنونی، ایجاد دولت اسلامی است که بدون تحقق آن، دستیابی به دو مرحله بعدی میسر نخواهد شد؛ بنابراین در پژوهش پیش رو به دنبال پاسخگویی به این دغدغه و پرسش هستیم که دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی باید دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتواند در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، نقش محوری ایفا کند؟ طبق بررسی‌ها و نتایج این پژوهش که با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از ابزارهای کتابخانه‌ای و پرسشنامه‌ای انجام شد، مهم‌ترین شاخصه‌های دولت تراز انقلاب اسلامی مواردی همچون معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، شایسته‌سالاری، عقلانیت‌محوری، مشارکت‌جویی، قانون‌محوری، شفافیت‌گرایی و بوم‌گرایی اقتصادی برشمرده شده که برای ورود به مرحله بعدی، یعنی جامعه‌سازی و درنهایت تمدن نوین اسلامی ضروری هستند.

کلید واژه‌ها: انقلاب اسلامی، بیانیه گام دوم، تحقق حکمرانی مطلوب، شاخصه‌های دولت تراز انقلاب اسلامی.

۱. استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی: Political19@gmail.com

۲ - دانشجوی دوره دکتری آینده پژوهی مطالعات سیاسی انقلاب اسلامی دانشگاه شاهد تهران

مقدمه

یکی از وجوه تمایز انقلاب اسلامی ایران با سایر انقلاب‌ها و نهضت‌های دیگر در ترسیم اهداف و چشم‌انداز متعالی و تمدن‌سازی است که این انقلاب به پشتوانه فقه سیاسی شیعه و تحولات اجتماعی آن در ادوار تاریخی، از آن برخوردار بوده است. خصلت «آرمان‌گرایی» و «کمال‌طلبی» که فقه تشیع همواره در طول تاریخ خود همراه با آن بوده، به هسته اصلی نظریه‌پردازی‌های انقلاب هم در مراحل شکل‌گیری اندیشه اولیه انقلاب (در اندیشه امام خمینی^(ره)) و بعد از آن سرایت نموده و در طول چهل سال گذشته این خصلت به صورت مداوم و در اشکال و عرصه‌های مختلف بازبازی شده است. در واقع جریان «هویت‌سازی» و «تمدن‌سازی» انقلاب اسلامی در طی چهار دهه گذشته به مثابه حرکت رودخانه‌ای بوده که همواره هویت اصیل و گفتمان‌ساز خود را بازنمایی کرده و از رکود نظریه‌ای خود را خارج ساخته است.

منحصر نمودن حرکت ملت ایران در جریان شکل‌گیری انقلاب اسلامی و تحلیل تک‌بعدی ریشه‌های آن به یک سلسله عوامل و نیازهای مادی، خطای راهبردی عمده تحلیل‌گران انقلاب اسلامی است. تحلیل جامعه‌شناختی شعارهای انقلاب اسلامی مؤید این مطلب است که انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب هویتی و تلاشی سترگ برای بازگشت به خویشتن خویش بوده و تعالی‌گرایی و معنویت‌طلبی برخاسته از اسلام‌گرایی و اسلام‌فقاہتی، عمده‌ترین و والاترین هدف ملت ایران در آن زمان بوده است.

بنابراین اگر بپذیریم که انقلاب اسلامی ایران آغاز و اساس یک پدیده «تمدن‌سازی نوین» است و اهداف آن در راستای یک فرآیند تکاملی تعریف گردیده، تحلیل سمت و سو و حرکت‌های انقلاب، نیازمند درک و داشتن «بینش تمدنی» است؛ همچنان که بیانیه گام دوم انقلاب منطبق با این منطق از سوی رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) صادر شده است. مسیر تمدن‌سازی انقلاب با پیروزی انقلاب اسلامی شروع و با طی مراحل در یک فرآیند خاص و تعریف‌شده، به شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی خواهد رسید. یکی از این مراحل در طی فرآیند دستیابی به تمدن نوین اسلامی که سومین مرحله آن است، تشکیل «دولت اسلامی» است. علی‌رغم پیشرفت‌های نظری و عملی که در طی چهار دهه عمر

انقلاب اسلامی به وجود آمده، اما تشکیل دولت اسلامی که با معیارها و شاخص‌های حداکثری دین مبین اسلام و آرمان‌های والا و متعالی انقلاب همسو و هم‌راستا باشد، تاکنون شکل نگرفته و همواره با نوعی چالش دولت‌سازی اسلامی در طی این چهار دهه مواجه بوده‌ایم. دولت‌سازی در این پژوهش فقط به معنای رایج آن یعنی قوه مجریه نیست، بلکه تمامی قوا اعم از مقننه و قضائیه و تمامی نهادهای حاکمیتی در نظام اسلامی را در برمی‌گیرد که بدون تشکیل آن تحقق سایر مراحل بعدی میسر نخواهد گردید.

در این راستا، پژوهش پیش رو تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از نظریه «حکمرانی شایسته» در اسلام و استخراج شاخصه‌های حکمرانی مطلوب انقلاب اسلامی از متن بیانیه گام دوم، ویژگی‌های دولت تراز انقلاب اسلامی در داخل را با رویکردی جامع شناسایی، تبیین و تشریح نماید. سؤالی که در این پژوهش به دنبال پاسخ به آن هستیم، این است که دولت تراز انقلاب اسلامی بر اساس منویات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم انقلاب باید واجد چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد؟ فرض پژوهش بر این گزاره استوار است که در مسیر راهبردی و تمدنی انقلاب اسلامی، «تشکیل دولت اسلامی» یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر بوده و جهت تکمیل حلقه تمدنی انقلاب اسلامی باید دارای ویژگی‌هایی همچون معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، شایسته‌سالاری، عقلانیت‌محوری، مشارکت‌جویی، قانون‌محوری، شفافیت‌گرایی و بوم‌گرایی اقتصادی باشد. این پژوهش که با روش توصیفی - تحلیلی و با بهره‌گیری از ابزارهای کتابخانه‌ای به‌ویژه اسنادکاو (متن بیانیه گام دوم) و همچنین اقتباس از نظریه «حکمرانی شایسته» انجام شده، به استخراج و تبیین این شاخص‌ها و مؤلفه‌های مهم، مطابق با الزامات بلندمدت انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

مبانی نظری؛ حکمرانی شایسته اسلامی

گرچه اصول و ویژگی‌های اساسی مربوط به حکمرانی مطلوب، جهانی و بین‌المللی هستند و تمامی کشورها و دولت‌ها را شامل می‌شود، اما اجرای آن‌ها در کشورهای مختلف با یکدیگر متفاوت است. از این جهت کشورها باید بتوانند گونه‌های ملی متعلق به خود را

در زمینه حکمرانی مطلوب مشخص و تعیین نمایند. از این جهت به‌کارگیری تجربه تاریخی کشورها بر مبنای نظام‌ها، فرهنگ‌ها و ارزش‌های بومی آن‌ها که منعکس‌کننده واقعیت‌های روز است، امری مهم و ضروری است. با پذیرش این فرض که دین اسلام؛ دینی جامع و کامل است و بسیاری از شاخص‌ها و ویژگی‌های حکمرانی مطلوب با اصول و مبانی این دین هم‌راستا است و چنانچه اگر آن‌ها را با فرهنگ و ارزش‌های دینی و ملی خود تطبیق دهیم، می‌توانیم الگوی مناسبی را برای سنجش چگونگی «حکمرانی شایسته» ارائه نماییم و یکی از چارچوب‌های نظری این پژوهش می‌تواند شاخص‌ها و فرآیندهای حکمرانی اسلامی (حکمرانی شایسته) قرار گیرد.

دستیابی به یک حکمرانی مطلوب و شایسته، حلقه مفقوده نظریه‌پردازی‌های فیلسوفان سیاست‌ورز مغرب‌زمین بوده است. در فلسفه سیاسی اسلامی این دشواری و راه‌پریچ و خم اندیشه‌ورزی کمتر وجود داشته و آن به دلیل وجود حاکمیت‌های نبوی و علوی با معیارهای الهی بوده است. به همین دلیل است که آرمان و عملکرد پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) با فطرت انسانی سازگار بوده و بعد از گذشت بیش از ۱۴۰۰ سال، همچنان مدل آرمانی و الهی حکومت‌های نبوی و علوی می‌توانند نه فقط الگویی برای مسلمانان بلکه برای بشریت مطرح شوند. در مقابل نظریه‌های حکمرانی خوب غربی که از لحاظ هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و روش‌شناسی مبتنی بر تفکرات اومانیستی، سکولاریستی و پوزیتیویستی است، با بهره‌گیری از مدل حکومت نبوی و علوی می‌توان نظریه جامع‌تر و کامل‌تر حکمرانی شایسته در اسلام را تبیین و تشریح کرد. مدل حکمرانی شایسته اسلامی از لحاظ هستی‌شناسی، هستی حقیقی را متعلق به خداوند می‌داند و سایر موجودات مظهر تجلی و نشأت‌گرفته از انوار قدسی باری تعالی هستند و با اجتناب از نگاه تک‌ساحتی به انسان، ابعاد و نیازهای دوگانه مادی و معنوی وی را دارای اهمیت می‌بیند. از لحاظ معرفت‌شناسی، منبع اصلی معرفت را آموزه‌های نجات‌بخش وحیانی می‌داند و آنچه که انسان از طریق حواس ظاهری بدان نایل می‌شود، فقط بخش محدودی از آن معرفت عظیم است و در روش‌شناسی هم با پرهیز از نگاه پوزیتیویستی، روش را منحصر به تجربه

نمی‌داند، بلکه روش و حیانی را نیز مهم تلقی می‌کند. همین نگاه متفاوت به مقوله‌های هستی، انسان، معرفت و روش است که سبب شکل‌گیری حکومت‌ها و حکمرانی‌های متفاوت شده است. در واقع در حکمرانی شایسته و حکومت صالحان که مبتنی بر جهان‌بینی الهی است، گرچه دنیا و آخرت به صورت توأمان اهمیت می‌یابند، اما زندگی دنیوی هدف اصلی آن نیست، بلکه بستر و زمینه‌ای است که انسان با استفاده از آن می‌تواند به سعادت اخروی دست یابد.

در واقع می‌توان گفت، حکمرانی شایسته، مدل کمال‌طلبانه یک نظام مردم‌سالار دینی با الگوگیری از شاخص‌های دولت‌های نبوی و علوی است که الزامات و ویژگی‌های آن از لحاظ معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی متعالی‌تر از چهارچوب‌های تعریف‌شده برای نظریه حکمرانی مطلوب رایج است که بسط ادبیات و مفاهیم و ویژگی‌های آن مورد غفلت جوامع اسلامی قرار گرفته است.

گرچه ممکن است از لحاظ مبانی نظری، تعدادی از شاخصه‌های حکمرانی شایسته با حکمرانی خوب غربی مثلاً در پاسخگویی و شفافیت مشترک باشند، اما این شاخص‌ها از نظر محتوا متفاوت است؛ چراکه مبانی نظری آن‌ها تفاوت دارند. در پژوهشی که برای مقایسه بین دو مدل حکمرانی خوب مورد نظر غربی‌ها و حکمرانی شایسته اسلامی صورت گرفته، شاخص‌هایی حکمرانی خوب و حکمرانی شایسته در هفت مؤلفه مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته‌اند که به شرح جدول زیر است.

جدول شماره (۱)

ردیف	شاخص	حکمرانی خوب	حکمرانی شایسته
۱	پاسخ‌گویی	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در برابر همدیگر و مجموعاً در برابر شهروندان {برابرقانون}	دولت، نهادهای مدنی و بخش خصوصی و آحاد اجتماعی در برابر همدیگر {و همه در برابر} خداوند (پاسخگویی به‌عنوان تکلیف همگانی)
۲	قانون‌گرایی	پایبندی به قوانین مصوب قوه مقننه	پایبندی به قوانین الهی و قوانین مصوب قوه مقننه که برگرفته و مبتنی بر قوانین الهی است.
۳	شفافیت	آزاد گذاشتن جریان اطلاعات و قابلیت دسترسی برای همه	آزادی جریان اطلاعات که مبتنی بر راست‌گویی و صداقت بوده و تضمین‌کننده رشد و کمال انسان باشد.

ردیف	شاخص	حکمرانی خوب	حکمرانی شایسته
۴	مبارزه با فساد	استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی برای مراقبت از حاکمان	استفاده از روش‌های نظارتی و بازرسی و حکم مبتنی بر حلال و حرام
۵	کارآیی و اثربخشی	استفاده از ظرفیت‌های مادی به‌طور کامل	استفاده از ظرفیت‌های مادی و معنوی به‌طور کامل (در راستای امورات عام‌المنفعه و خداپسندانه)
۶	عدالت	عدالت به‌عنوان یک فضیلت	هم فضیلت و هم اساس حکومت
۷	مشارکت	یک حق قانونی است.	علاوه بر حق تکلیف هم هست.

برگرفته از مدل علی واثق و حسینی تاش (۱۳۹۳) {با اندکی تلخیص و تصرف}

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در دیدار با دولتمردان در شهریور سال ۱۳۸۵، تعدادی از شاخص‌های حکمرانی شایسته اسلامی از جمله مواردی چون عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری، فسادستیزی، سلامت اعتقادی و اخلاقی مسئولان کشور به‌ویژه در سطح عالی‌رتبه، ساده‌زیستی و مردم‌گرایی، قانون‌گرایی، وسعت نظر (سعه صدر) و تحمل مخالف، شجاعت و قاطعیت در بیان و عمل که حق است، شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران حکومتی، اطلاع‌رسانی و شفافیت اطلاعات و تعداد دیگری از شاخص‌ها را برشمردند. تلفیق شاخص‌های حکمرانی شایسته (در جدول فوق) و شاخص‌های مدنظر رهبری انقلاب بیانگر آن است که شاخص‌های حکمرانی شایسته اسلامی نه تنها دربرگیرنده شش بعد شاخص حکمرانی اعلام‌شده توسط بانک جهانی می‌باشند، بلکه ابعاد گسترده‌تری را نیز شامل می‌شوند. در دوره حکمرانی حضرت امیر (ع) نیز نه تنها شاخص‌های حکمرانی شایسته به‌صورت کمال و تمام وجود داشته است، بلکه فراتر از آن، با شاخصه‌هایی مبتنی بر آموزه‌های اصیل دینی، خداترسی، بندگی پروردگار، عدالت اجتماعی و ... در پی رستگاری و کمال مردم و سعادت دنیا و آخرت آنان نیز بوده است؛ بنابراین در این مقاله، با بهره‌گیری از این مفروضات حکمرانی شایسته، به تبیین شاخص‌های دولت تراز انقلاب اسلامی مطابق با اصول بیانیه گام انقلاب می‌پردازیم.

۲. پیشینه‌شناسی تحقیق

بررسی‌های به‌عمل‌آمده حاکی از آن است که با توجه به فاصله زمانی از صدور بیانیه گام دوم انقلاب تا زمان نگارش این پژوهش، تاکنون پژوهشی با موضوع شاخصه‌های حکمرانی سیاسی دولت تراز انقلاب اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب انجام نشده است و بیشتر مطالب و دیدگاه‌های موجود در این زمینه معطوف به سخنرانی‌ها و مطالب ژورنالیستی است. با این وجود نادری و مزروعی (۱۳۹۵) در مجموعه مقالات دومین همایش تمدن نوین اسلامی، مقاله‌ای تحت عنوان «بایسته‌های دولت اسلامی در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی بر اساس آراء و دیدگاه‌های مقام معظم رهبری» را به قلم تحریر درآورده که با تکیه بر بیانات رهبر انقلاب الزامات تحقق دولت اسلامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. قنبردوست (۱۳۹۶) در مجموعه مقالات سومین همایش تمدن نوین اسلامی در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی نظریه‌های دولت‌سازی در تمدن‌های غربی و اسلامی» به بررسی تطبیقی نظریات دولت‌سازی در دو فرهنگ غربی و اسلامی پرداخته و تشکیل نظام جمهوری اسلامی را در مرحله کنونی، اولین تجربه تاریخی سیاسی شیعه در مردم‌سالاری دینی می‌داند که با سازوکار دولت‌سازی موجود بر مبنای فقه سیاسی پویا و محوریت ولایت فقیه با «دموکراسی دینی» و «قانون اساسی» برآمده از تجارب عقلی بشری جوامع دیگر، به‌عنوان الگوی جدید برای دولت اسلامی در عصر غیبت معرفی گردیده است. پژوهش دیگر در زمینه دولت اسلامی توسط عباس نوری (۱۳۹۶) در سومین همایش تمدن نوین اسلامی تحت عنوان «دولت اسلامی؛ شاخص‌ها و موانع تحقق آن در اندیشه مقام معظم رهبری» ارائه گردیده است که به‌طور عمده به دنبال تبیین موانع بر سر راه تشکیل دولت اسلامی است.

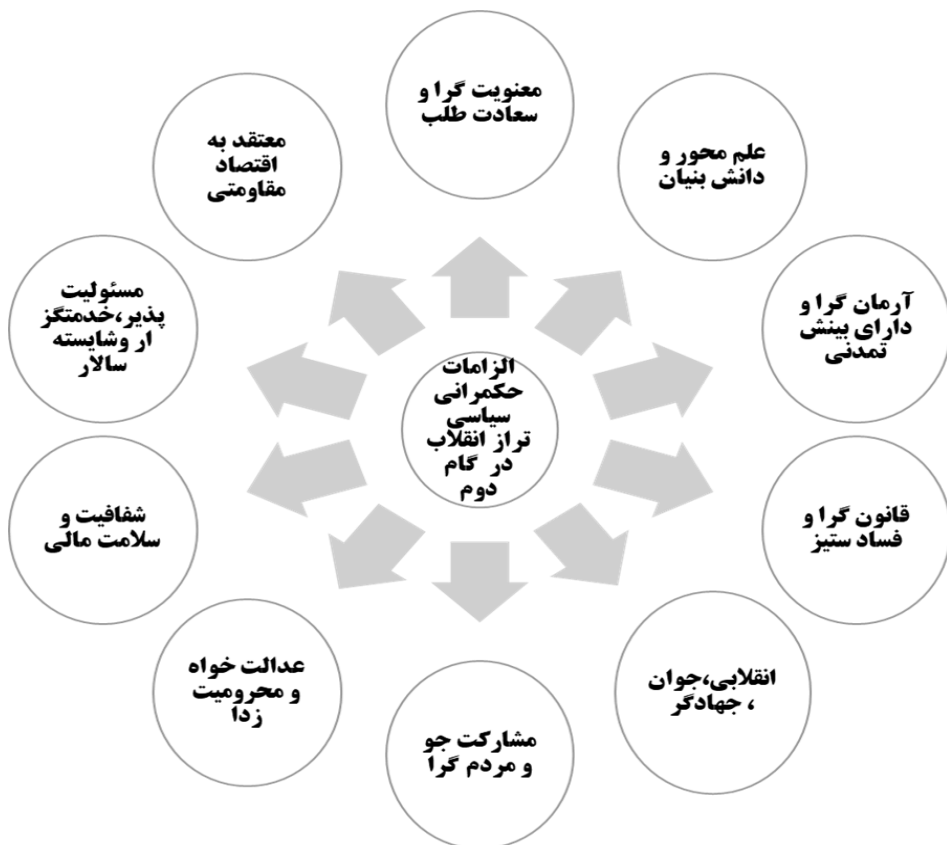
در مقاله‌ای که توسط سید جواد امینی و محمد مبینی با عنوان «تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران» در فصلنامه «پژوهشنامه انقلاب اسلامی» (پاییز ۱۳۹۸) چاپ شده، به تبیین مهم‌ترین شاخصه‌های «نظریه نظام انقلابی» پرداخته شد که عبارت بودند از: مردمی بودن، تلاش برای خودکفایی اقتصادی، استقلال‌طلبی، نفوذ و قدرت معنوی رهبری، سازش‌ناپذیری، وحدت میان دولت و ملت و... در این مقاله،

همچنین «شرایط علی» تحقق نظریه نظام انقلابی نیز مورد بررسی و واکاوی قرار گرفته که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بودند از: ساده‌زیستی، قانون‌پذیری، ایجاد فرهنگ کار و مجاهدت، مدیریت نهادگرایی به جای مدیریت بوروکراتیک، مبارزه دائمی با فساد، مرزبندی با دشمن، انعطاف‌پذیری و آمادگی برای تصحیح خطاهای خود و... با بررسی و تدقیق این شاخص‌ها و شروط علی تحقق نظریه نظام انقلابی، می‌توان دریافت که انقلاب اسلامی ایران با رهبری ولایت فقیه، هیچ‌گاه به دوران «ترمیدور» باز نخواهد گشت، بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) تا ابد از نظریه نظام انقلابی دفاع خواهد شد.

پژوهش حاضر نیز با بهره‌گیری از برخی مفروضات نظریه انقلابی در باب دولت‌سازی به‌ویژه در زمینه‌های مبارزه با فساد، شفافیت، قانون‌پذیری، بوم‌گرایی اقتصادی و... به استخراج و تبیین شاخص‌های دولت تراز انقلاب اسلامی بر مبنای حکمرانی شایسته اسلامی می‌پردازد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

پس از تبیین نظریه حکمرانی شایسته اسلامی برای تدوین مدل مفهومی پژوهش، پس از کدبندی بیانیه گام دوم بر اساس محتوای موضوعی آن، پرسشنامه‌ای با محوریت شاخص‌های احصاء‌شده، در اختیار ده نفر از خبرگان دانشگاهی که آثاری را در خصوص بیانیه گام دوم انقلاب و حکمرانی شایسته اسلامی به نگارش درآورده بودند، قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد که در مرحله اول تعداد ۲۰ شاخص دارای اهمیت را شناسایی نمایند. پس از جمع‌بندی نظر اولیه خبرگان، تعداد ۱۴ شاخصی که بر اساس مدل ترکیبی حکمرانی مطلوب و حکمرانی شایسته، بیشترین اجماع بر روی آن حاصل گردیده بود، شناسایی شد. پس از ادغام برخی شاخص‌ها که از نظر خبرگان جنبه همپوشانی داشتند، تعداد ۱۲ شاخص برتر از نظر خبرگان به‌عنوان شاخص‌های دولت تراز انقلاب منطبق بر بیانیه گام دوم شناسایی گردید و مجدد به خبرگان شرکت‌کننده به تعداد پنج نفر ارجاع شد که پس از دریافت نظرات آن‌ها، این ده شاخص به‌عنوان شاخص‌های دولت تراز انقلاب انتخاب گردید و پس از آن مدل مفهومی زیر برای پژوهش ترسیم شد.



شاخص‌های تحقق حکمرانی دولت تراز انقلاب در بیانیه گام دوم
(منبع: نگارنده)

۴. شاخص‌های حکمرانی دولت تراز انقلاب اسلامی

پس از تبیین نظریه حکمرانی شایسته و مرور ادبیات پژوهش، به‌ویژه نظریه نظام انقلابی مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و پس از کدبندی بیانیه گام دوم بر اساس محتوای موضوعی آن از سوی خبرگان دانشگاهی، ده شاخص زیر احصاء شده‌اند که در ادامه به بررسی و تجزیه و تحلیل آن‌ها در فرآیند تحقق دولت تراز انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

۴-۱. معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی

یکی از اهداف و برنامه‌های دین مبین اسلام، سعادت بشر در پرتو نگاه معنویت‌گرایانه است. برخلاف نظریه‌های سعادت‌گرایانه فیلسوفان غربی در باب سعادت انسان و دیدگاه‌های کسانی چون افلاطون تا هابز و راولز که سعادت را مبتنی بر اومانیزم و منحصر به بعد مادی وجود انسان و این جهانی می‌دانستند (واعظی، ۱۳۸۲: ۳۴-۳۳)، در جهان‌بینی اسلامی هدف از آفرینش رسیدن به کمال حقیقی، یعنی قرب الهی است و از آنجایی که در این جهان‌بینی انسان علاوه بر بعد مادی دارای بعد والاتر روحی و معنوی است و حیات پایدار انسانی پس از انقضای حیات دنیوی به وقوع می‌پیوندد؛ بنابراین تنظیم حیات دنیوی او باید به گونه‌ای باشد که بتواند رفتار او را در حوزه فردی و جمعی به گونه‌ای سامان دهد که سعادت و کمال دنیوی و اخروی را با همدیگر تضمین نماید. با چنین جهان‌بینی‌ای طبیعتاً حکومتی که داعیه‌دار ارزش‌های الهی باشد، نمی‌تواند نسبت به تضمین سعادت دنیوی و اخروی شهروندانش بی‌تفاوت باشد؛ بنابراین حکومت در اسلام علاوه بر نگاه به حیات دنیوی بشر، وظیفه مهیا ساختن و هدایت اتباع خود به سوی سعادت ابدی را نیز بر عهده دارد.

انقلاب اسلامی ایران هم که مبانی و اصول آن ریشه در مکتب الهی و جهان‌بینی اسلامی دارد، از توجه به معنویت و کارکرد آن در ساختن اجتماع بشری وارسته غافل نشده است و بندهایی از قانون اساسی که نماد و میثاق پیاده‌سازی تفکر اسلامی در جامعه ایرانی است را به این مهم اختصاص داده است؛ به عنوان مثال در اصل سوم قانون اساسی، ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی بر اساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی را یکی از اهداف جمهوری اسلامی ایران می‌داند یا در اصول ۴۳ و ۱۵۴ نیز سعادت‌گرایی جامعه اسلامی را یکی از اهداف کلان انقلاب برمی‌شمارد. معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی در اندیشه سیاسی رهبران انقلاب هم مغفول نمانده تا جایی که با تدقیق و تدبر در گفتمان حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) می‌توان اذعان کرد که معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی جامعه ایرانی و اسلامی یکی از دغدغه‌های اصلی آن‌ها بوده است. همچنین می‌توان گفت که بین مؤلفه کارآمدی نظام با معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی

ارتباط وثیقی وجود دارد و هرچه مدیران نظام اسلامی در ساحت‌های گوناگون الهی‌تر، معنویت‌گراتر، ارزشی‌تر، رئوف و متواضع و دارای شرح صدر و شکیبایی باشند، در مدیریت و پویاسازی نظام تولید و توسعه ثروت‌های مادی و معنوی جامعه موفق‌ترند (درودرگر، ۱۳۸۲: ۵۷).

گرچه دستاوردهای معنوی و مادی انقلاب در طی چهار دهه گذشته نیز محصول همین معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی است. رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در چشم‌انداز آینده تمدنی انقلاب در بیانیه گام دوم نیز از آن به‌عنوان یک پیشران اساسی تعبیر نموده‌اند. اهمیت این مسئله زیربنایی از منظر رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) به‌گونه‌ای است که از آن به‌عنوان «جهت‌دهنده همه حرکت‌ها و فعالیت‌های فردی و اجتماعی و نیاز اصلی جامعه» تعبیر کرده‌اند. علاوه بر اینکه، دولت تراز انقلاب و حکمران سیاسی می‌بایست مزین به این ارزش‌گران‌بها باشد، در این بیانیه که منشور آینده انقلاب را یادآوری می‌کند، علاوه بر اینکه ترویج معنویت‌گرایی و سعادت‌طلبی وظیفه و جهاد همگانی است، اما «بدون همراهی حکومت‌ها توفیق چندانی نخواهد یافت».

۲-۴. علم‌محور و دانش‌بنیان

در قرآن کریم در سه سوره و چهار آیه (جمعه آیه ۲، آل‌عمران آیه ۱۶۴، بقره آیات ۱۵ و ۱۲۹) آموزش علم و پرورش نفوس انسان‌ها از مهم‌ترین اهداف بعثت انبیاء معرفی شده است. نبی مکرم اسلام نیز یکی از اهداف مهم رسالت خویش را تعلیم می‌داند: «وَلَكِنْ بِالْتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ» (بحارالانوار، ج ۱: ۲۶۹).

از نظر اسلام علم‌آموزی و تعلیم نه‌تنها امری پسندیده است، بلکه از واجبات دین نیز به شمار می‌رود و آیات و روایات متعددی بر آن دلالت و تأکید دارند. در دوران رشد و اعتلای تمدن اسلامی هم یکی از مؤلفه‌های پیشبرنده و سازنده آن، توجه به عالمان و تکریم جایگاه علم بوده، به‌گونه‌ای که ثروتمندان اموال خود را صرف امور خیریه علمی می‌کردند و مردم خیرخواه و دانش‌دوست نیز با خرید کتاب و اهدای آن به کتابخانه‌ها نقش به‌سزایی را در شکوفایی تمدن نوین اسلامی ایفا نمودند (غنیمه، ۱۳۶۴: ۳۰۴).

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی هم با نظر داشت به عقب‌افتادگی تاریخی ایرانیان از قافله پیشرفت علمی جهانی، گام‌های بزرگی برای جبران این عقب‌افتادگی برداشته شده است که از جمله آن می‌توان به افزایش کمیت و کیفیت دانشگاه‌ها و میزان دانشجویان و اعضای هیئت‌علمی در طی چهل سال اخیر اشاره کرد. در واقع یکی از پیشران‌های عمده تمدن‌سازی نوین اسلامی، علم‌گرایی در مسیر دستیابی به اهداف متعالیه بشری خواهد بود. رهبر معظم انقلاب در طی سه دهه گذشته با رهنمودها، جهت‌دهی و تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های کلان نظام آموزشی و توجه درخور شایسته به مؤلفه علم‌گرایی، نقش به‌سزایی در دستیابی به پیشرفت علمی کشور ایفا نموده‌اند، به گونه‌ای که جایگاه برتر رشد علمی امروز ایران در جهان اسلام مدیون ریل‌گذاری صحیح این سیاست‌گذاری‌ها است. در بیانیه گام دوم انقلاب هم یکی از الزامات برجسته حکمرانی امروز و آینده انقلاب، توجه و تأکید بر مؤلفه «علم‌گرایی» است. در منطق رهبری معظم انقلاب، این طلیعه خورشید انقلاب بود که زمینه را برای استقلال فکری و علمی جامعه ایرانی مهیا نمود و «موتور پیشران کشور در عرصه علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده آن روزه‌روز فراگیرتر می‌شود».

درواقع علم‌گرایی علاوه بر آنکه در حکمرانی سیاسی تراز انقلاب، یک پیشران به شمار می‌رود. در تداوم و تضمین حرکت استقلال‌طلبانه انقلاب اسلامی در دهه‌های آینده نیز یک ضرورت خواهد بود.

۳-۴. آرمان‌گرا و دارای بینش تمدنی

از ابتدای حیات انسانی، اندیشه آرمانی یکی از نیرومندترین انگیزه‌های تکاپوی انسانی و همراه و همزاد او بوده تا با تکیه بر آن بتواند بر مصائب و موانع بر سر راه خود فائق آید و به جامعه کامل و سعادت‌مند که استعدادهای او شکوفا و نیازهای او تأمین شده باشد، نائل گردد (محمدیان مصمم و زرغامی، ۱۳۹۶: ۵۶). به همین دلیل است که دستیابی به یک جامعه مطلوب که در ادبیات ملل مختلف از آن به‌عنوان مدینه فاضله، اتوپیا یا آرمان‌شهر یاد می‌شود، از خواست‌ها و آرزوهای مکتوم یا مصرح مصلحان و خیرخواهان اجتماعی بوده

است (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۲)؛ بنابراین آرمان‌شهر یا همان شهر آرزوها از دیرینه‌ترین مفاهیم در زندگی بشر بر روی این کره خاکی بوده و حتی می‌توان ادعا کرد که این مقوله عمری به درازای تمدن بشری دارد. آموزه‌های قرآنی و دینی، آرمان‌شهر اسلامی را بر مبنای پیشرفت مقبول و مطلوب جامعه بر اساس نگرش توحیدی تعریف کرده که در آن ارزش‌ها زمینه سعادت و تقرب انسان‌ها به هدف والای خلقت را فراهم می‌گردانند (سعیدی روشن، ۱۳۹۳: ۶۲).

انقلاب اسلامی ایران هم که یک رخداد بی‌نظیر بر مبنای آموزه‌ها و مبانی قرآنی-اسلامی است؛ دربرگیرنده و حامل آرمان‌ها و ارزش‌های والای الهی و انسانی است. درواقع این ارزش‌ها همان خواسته‌ها، باورها و اراده ملت برای دگرگونی ساختار سیاسی و طراحی ساختار جدید با توجه به آن‌ها بود. آرمان‌های ملت ایران برای در انداختن طرحی نو در جهان در ۱۳۰ سال گذشته بر محور دین و معنویت و اسلام‌خواهی، آزادی و مردم‌سالاری و رهایی از سلطه استعمار با کسب استقلال همه‌جانبه بوده است و مجاهدت‌ها و شکل‌گیری نهضت‌ها و جنبش‌هایی مانند تنباکو، جنبش مشروطه، نهضت ملی کردن صنعت نفت و دیگر قیام‌های ملت ایران، تحقق این آرمان‌ها را میسر نکرد، اما ملت در انقلاب اسلامی با هدایت و رهبری امام خمینی (ره)، اتحاد همه‌جانبه و مشخص کردن مسیر مبارزه، راه رسیدن به این آرمان‌ها را در قیام بر ضد رژیم پهلوی و محو سلطنت و تأسیس جمهوری اسلامی دیدند. یکی از تفاوت‌های بزرگ انقلاب اسلامی با سایر انقلاب‌های جهان، محدود نکردن مفاهیم انقلاب در افق زمانی معین و محدود و همچنین محصور نکردن آن در بُعد اندیشه‌های مادی‌گرایانه و روزمره است. آرمان‌شهر انقلاب اسلامی، احیای تفکر و دستیابی به تمدن نوین اسلامی است و دستیابی به این آرمان‌شهر به یقین ملزوماتی دارد که باید در جای خود به آن پرداخته شود. بدیهی‌ترین ملزومات آرمان‌شهر تمدن نوین اسلامی، التزام و اعتقاد حکمران سیاسی به داشتن بینش تمدنی است و پس از آن است که تمامی جهت‌گیری‌های نظام اسلامی در تمامی حوزه‌ها و عرصه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها برای تحقق این تصویر مطلوب به کار گرفته خواهد شد.

در حقیقت اگر بخواهیم با نگاهی فراتر از الفاظ و معنای موجود به بیانیه گام دوم انقلاب نظر بیافکنیم، بدون شک عصاره و کلیدواژه این بیانیه را می‌توانیم تصویرگری و

تصویرپردازی اهداف متعالی آینده انقلاب، یعنی دستیابی به تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی (ارواح‌نفاذ) بدانیم و به‌طور مسلم برداشتن گام‌های بزرگ مورد انتظار رهبری انقلاب بدون شکل‌گیری دولت تراز انقلاب اسلامی که سومین مرحله دستیابی به تمدن نوین اسلامی است، میسر نخواهد گردید.

۴-۴. قانون‌گرا و فسادستیز

قانون‌مندی و فسادناپذیری کارگزاران یک نظام سیاسی از شاخص‌های حکمرانی خوب و در مقابل قانون‌گریزی و رواج فساد از نشانه‌های حکمرانی بد محسوب می‌شود (سردارنیا، ۱۳۹۵: ۱۰۲). در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی برگرفته‌شده از دولت‌های نبوی و علوی، قانون‌مندی و فسادستیزی از اولویت‌های خاصی برخوردار بوده است. گواه این ادعا بهره‌مندی نبی مکرم اسلام به‌عنوان نخستین زمامدار جامعه اسلامی همپای افراد عادی از بیت‌المال و پرهیز از تجمل و عدم دل‌بستگی به مادیات بود، به‌گونه‌ای که موجب اعتراض همسران ایشان می‌شد تا جایی که آیات ۲۸ و ۲۹ سوره احزاب مسئله تخییر همسران ایشان (نسبت به ادامه زندگی یا جدایی از پیامبر) را مطرح ساخته است (درخشه و موسوی‌نیا، ۱۳۹۷: ۱۳). نمونه‌های متعددی از قانون‌گرایی و فسادستیزی در سنت و سیره اسلامی قابل ذکر است - مقابله با سوء استفاده کارگزاران از قدرت و اعتماد عمومی در جهت منافع شخصی در حکومت حضرت علی (ع) - به‌گونه‌ای که این شاخص را به‌عنوان یک شاخص مهم و نهادینه‌شده در حکمرانی شایسته اسلامی تثبیت کرده است (آرایی، ۱۳۸۸: ۴۹). گرچه در حکمرانی شایسته منظور از قانون‌مداری، اعمال قوانین الهی در همه عرصه‌های حکومتی و همه افراد جامعه است و از نظر مبنایی با قانون‌مداری در نظریه حکمرانی خوب متمایز است (حسینی تاش و علی واثق، ۱۳۹۳: ۲۸-۷). با این حال پژوهشگران و صاحب‌نظران بر این باورند که رابطه و اثرگذاری مستقیمی در خصوص قانون‌گرایی و مقابله با فساد و کاهش آن وجود دارد (پاپ، ۱۳۸۵: ۲۴۲-۲۱۷).

در رفتار و منش رهبران انقلاب اسلامی هم که به‌طور عمده دارای پشتوانه فقهی و برگرفته از سیره معصومین (علیهم‌السلام) است. تأکیدهای مکرری بر قانون‌گرایی و مقابله با

فساد در نظام اسلامی در طی چهل سال اخیر شده است. به عنوان مثال می‌توان به صدور فرمان هشت‌ماده‌ای حضرت امام خمینی (ره) خطاب به رئیس دیوان عالی وقت کشور و نخست‌وزیر وقت در ۲۴ آذرماه سال ۱۳۶۴ یا فرمان هشت‌ماده‌ای رهبری انقلاب در ۱۰ اردیبهشت ۱۳۸۰ در خصوص التزام به قانون‌گرایی و مقابله همه‌جانبه با فساد اشاره کرد.

یکی از الزامات تحقق نظریه حکمرانی شایسته در متن بیانیه گام دوم انقلاب را هم می‌توان قانون‌گرایی و فسادستیزی به شمار آورد. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) با تأکید بر اهمیت دوجندان مبارزه با فساد در نظام اسلامی و لزوم وجود دستگاهی کارآمد و قاطع در درون قوای سه‌گانه کشور و همچنین با غیرقابل قبول دانستن میزانی از فساد در داخل نظام، بر این امر تأکید دارند که «طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است». در واقع رهبری علاوه بر دعوت مسئولان کشور به رعایت تقوا و امانت‌داری در باب پیشگیری از فساد، بر وجود «دستگاه‌های نظارتی و دولتی {که} باید با قاطعیت و حساسیت، از تشکیل نطفه فساد پیشگیری و با رشد آن مبارزه کنند»، در متن بیانیه گام دوم تأکید و تصریح دارند.

۴-۵. انقلابی، جوان و جهادگر

تأمل و تدبر در منظومه فکری رهبران انقلاب بیانگر آن است که دارا بودن ویژگی انقلابی‌گری تنها مختص به دوران شکل‌گیری و پیروزی انقلاب نیست، بلکه راه و رمز دستیابی به آرمان‌های انقلاب در مراحل بعدی در گروه انقلابی ماندن و انقلابی عمل کردن است. در اندیشه سیاسی حضرت امام (ره) می‌توان ویژگی‌هایی نظیر حفظ حدود و ثغور، پرهیز از هرج و مرج‌گرایی، داشتن روحیه ساده‌زیستی و نفی اشرافیت، داشتن روحیه استقلال‌طلبی، خیرخواهی و مهرورزی با مردم و... را از نشانه‌های تفکر انقلابی برشمرد (صحیفه نور، ج ۱۰: ۱۳۷؛ ج ۱۹: ۱۱؛ ج ۳: ۱۶۴ و ج ۷: ۲۵۳). رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) نیز در جمع هزاران نفر از مردم در حرم حضرت امام (ره) پنج شاخص پایبندی به ارزش‌های اساسی اسلام و انقلاب، تقوای دینی و سیاسی، پایبندی به استقلال کشور، حساسیت در برابر دشمن و نقشه دشمن و عدم تبعیت از آن و هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همت

بلند برای رسیدن به آن‌ها را از شاخص‌های انقلابی‌گری در آغاز پنجمین دهه از عمر انقلاب اسلامی می‌داند (۱۳۹۶/۰۳/۱۴).

از سویی دیگر می‌توان تفکر جهادی را ذیل تفکر انقلابی‌گری تعریف کرد و مدیریت جهادی را نوعی از مدیریت دانست که با عشق و ایمان به خدا، با دشمن‌شناسی و گام‌های بلند و دارای شتاب، مدبرانه و با روحیه خستگی‌ناپذیری به سمت آرمان بزرگ انقلاب (ایجاد تمدن نوین اسلامی) حرکت می‌کند. مؤلفه‌های این سبک از مدیریت را می‌توان بر طبق قرآن کریم، روایات و بیانات رهبران انقلاب اسلامی مشتمل بر مؤلفه‌هایی نظیر توکل، ایمان و اخلاص، نظم، پرهیز از اسراف، ساده‌زیستی، درایت و تدبیر، روحیه حزب‌اللهی و ارزش‌گرایی معنوی و... دانست (مظفری و محمدی، ۱۳۹۵: ۵). وجه مشترک و ربط‌دهنده انقلابی‌گری و مدیریت جهادی در بیانیه گام دوم انقلاب از نظر رهبری معظم انقلاب، جوانان هستند. اگر نسل اول انقلاب را بنیان‌گذاران و شکل‌دهندگان به انقلاب و نسل دوم انقلاب را تثبیت‌کنندگان انقلاب بدانیم و بنامیم. نسل سوم انقلاب که امروز جوانان مؤمن و متعبد انقلابی در کلام رهبری هستند را باید محقق‌کنندگان آرمان‌های انقلاب در دهه‌های آینده به شمار آوریم. در واقع مخاطب اصلی بیانیه که وظیفه برآورده نمودن اهداف عالی انقلاب بر عهده آن‌ها گذاشته شده است، جوانان هستند و در سایه‌سار وجود و حفظ تفکر انقلابی و مدیریت جهادی است که خواهند توانست آرمان‌های عظیم به تصویر کشیده‌شده انقلاب را برآورده سازند. با پذیرش چنین پیش‌فرضی، یکی از الزامات تحقق حکمرانی تراز انقلاب، شکل‌گیری دولت جوان انقلابی در آینده خواهد بود، دولتی که با داشتن مؤلفه‌های انقلابی و نگاه جهادی با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود کشور که رهبری انقلاب هم در متن بیانیه آن‌ها را برشمرده‌اند، بتواند تصویر مطلوب انقلاب برخاسته از آرمان‌های بزرگ آن را صیقل ببخشد و به منصف ظهور برساند.

۴-۶. مشارکت جو و مردم‌گرا

یکی از ویژگی‌های ساختار حکومت‌های دموکراتیک امروزی، تعیین راه‌هایی برای اعمال نظر مردم در عرصه سیاست و به تعبیری مشارکت آن‌ها است. مشارکت مسالمت‌جویانه

مردم در امور و فرآیندهای سیاسی که نهادینه شده است، اغلب از طریق قالب‌هایی همانند انتخابات یا فرآیندوم صورت می‌پذیرد. در واقع یکی از ابزارهای ثبات سیاسی سیستم‌های حکومتی، برگزاری انتخابات است که از طریق کارکردهایی همانند تطبیق با تغییرات محیطی، پرهیز از منازعات خشونت‌آمیز و افزایش کارایی و مشروعیت سیستم سیاسی، به ایجاد امنیت فضایی کشورها کمک شایانی خواهد کرد و از آشفتگی‌های سیاسی و پدیدار شدن نظام‌های غیردمکراتیک جلوگیری خواهد نمود (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۵۰-۳۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از اصلی‌ترین سازوکارهای شرکت مردم در سرنوشت خویش، برگزاری انتخابات بوده است. جمهوری اسلامی ایران در زمینه تعداد مراجعه به آرای عمومی در بالاترین سطح کشورهای جهان قرار می‌گیرد. دلیل اصلی این امر را می‌توان جایگاه حق انتخاب مردم دانست. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول زیادی مکانیزم مشارکت سیاسی را بیان کرده است؛ از جمله آن‌ها اصول ۶، ۷، ۶۲، ۸۷، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۷ و ۱۱۴ قانون اساسی است که به‌طور مستقیم به اصل انتخابات یا به‌طور جانبی به این موضوع پرداخته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که با احتساب برگزاری فرآیندوم‌ها، جمهوری اسلامی تا سال ۱۳۹۸ در طول ۴۰ سال از حیات سیاسی خود، ۳۷ بار برای تعیین ساختار و اداره امور کشور به انتخابات مراجعه کرده است و نمودار منحنی درصد مشارکت انتخاباتی در جمهوری اسلامی ایران، میانگین حدود ۶۰ درصد را به نمایش می‌گذارد (بنی‌هاشمی، ۱۳۹۵: ۱۳۱-۱۲۷).

بیانیه گام دوم انقلاب با اختصاص دادن مباحثی به این مهم، یکی از دستاوردهای انقلاب اسلامی را به اوج رساندن مشارکت مردمی و مسابقه خدمت‌رسانی به مردم می‌داند. در واقع در افق نگاه رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در متن بیانیه گام دوم، مشارکت مردم در امور تنها به شرکت در انتخابات محدود نمی‌شود، بلکه حضور مردم در میدان سیاست، جلوه‌های گسترده‌تری نظیر مقابله با فتنه‌ها، حضور مردم در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی و موضوعات اجتماعی نظیر کمک‌رسانی و فعالیت‌های نیکوکاری و همدلی در حوادث طبیعی و کمبودهای اجتماعی را در برمی‌گیرد. در حقیقت از منظر رهبران انقلاب (حضرت امام (ره) و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (مدظله‌العالی))، رمز اصلی تداوم و

ماندگاری انقلاب، با وجود همه دشمنی‌های نظام سلطه، حضور مردم در صحنه و دفاع همیشگی آن‌ها از آرمان‌های انقلاب علیرغم همه فراز و نشیب‌ها و کاستی‌های موجود است و بدون شک حکمرانی دولت تراز انقلاب هم برای پیشبرد امور خود باید از ظرفیت‌های این انقلاب مردمی به نحو مطلوب استفاده نماید تا در دستیابی به آرمان‌های انقلاب تسریع به عمل آید.

۷-۴. عدالت‌خواه و محرومیت‌زدا

مسئله عدالت همواره یکی از مهم‌ترین آرمان‌های انسانی و دغدغه‌های ادیان الهی و اندیشمندان سیاسی بوده و در روابط و مناسبات افراد و گروه‌ها، وجود مقررات و قوانین عادلانه به عنوان یک ضرورت مورد توجه قرار گرفته است. خداوند متعال هم فلسفه رسالت پیامبران را برپایی و اقامه عدل بیان می‌کند (سوره حدید آیه ۲۵) و به صراحت اعلام می‌دارد که هدف از مبعوث ساختن پیامبران، برقراری عدالت اجتماعی در بین آنان بر اساس کتاب‌های آسمانی، قوانین و احکام الهی است (اسلامی، ۱۳۷۵: ۵۱۶-۵۱۳). در متون و روایات اسلامی عدالت اساس و قوام عالم، عامل بقای دولت‌ها و ضامن استمرار حیات ملت‌ها است. در فلسفه نظام سیاسی تشیع، عدالت زیربنا و محور اصلی شکل‌دهنده آن است و عدالت از جمله شرایط مشترک زمامدار (نبی، معصوم و ولی در عصر غیبت) و مشروعیت ولی در عصر غیبت در گرو دارا بودن این ویژگی است. با این نگاه به مقوله عدالت می‌توان گفت، فلسفه وجودی انقلاب اسلامی که با ایدئولوژی و ارزش‌های خاص دینی و طرح اندیشه نظام ولایی به وقوع پیوست، دوام و پایداری آن نیز به این ضرورت‌های واقعی و حیاتی وابسته است، از جمله این آرمان‌ها عدالت‌گستری است که سنگ بنای اندیشه‌ای انقلاب اسلامی است و بدون فهم آن درک صحیح از اسلام و انقلاب ممکن نخواهد بود (فخرزاد، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۲).

اهمیت مقوله عدالت به گونه‌ای است که قانون اساسی جمهوری اسلامی فقاهت و عدالت را از جمله ویژگی‌های ولی‌فقیه می‌داند و اگر حاکم جامعه اسلامی این دو شرط را نداشته و در رأس قدرت قرار بگیرد، حاکمیتش مشروع نیست؛ بنابراین زمامداران نظام

سیاسی در جمهوری اسلامی موظفاند عدالت را در انواع و اقسام آن در دستور کار و برنامه‌های خود قرار دهند.

در پرتو نگاه عدالت‌خواهانه و با درک عقب‌افتادگی‌های کشور در طی دو‌یست سال اخیر، در همه ابعاد در قافله پیشرفت جهانی است که بعد از انقلاب اسلامی، نهضت خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی در کشور شکل می‌گیرد. گرچه نظام جمهوری اسلامی دستاوردهای قابل توجهی به‌رغم همه تحریم‌ها و دشمنی‌های ظالمانه نظام سلطه به دست آورده ولی به تعبیر رهبری انقلاب تا رفع کامل محرومیت‌زدایی فاصله قابل توجهی وجود دارد؛ بنابراین از الزامات تحقق حکمرانی شایسته تراز انقلاب، شکل‌گیری دولتی عدالت‌گرا بر طبق آموزه‌های اسلامی و منویات حضرت امام^(ره) و رهبری معظم انقلاب است که خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی را در دستور کار خود قرار دهد. در متن بیانیه گام دوم به لحاظ اهمیت موضوع، یکی از توصیه‌های هفت‌گانه به مسئله عدالت‌خواهی و همچنین ذیل آن محرومیت‌زدایی اختصاص یافته و این‌گونه تصریح گردیده که «در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به‌شدت بیمناک باشد». گرچه تحقق عدالت به صورت‌های مختلف در قوانین تکرار شده، اما انتظار تحقق مطلوب این امر از سوی رهبر انقلاب به «جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان» سپرده شده است که باید زمام امور به آن‌ها واگذار شود.

۴-۸. شفافیت و سلامت مالی

شفافیت از جمله موضوعات اساسی و کلان در حکومت‌های مردم‌سالار جهت اداره امور کشور و اصلاح نارسایی‌ها و کاستی‌های مدیریتی آن است و در پرتو وجود شفافیت، رابطه بین حکومت و شهروندان نیز تقویت می‌گردد. این اصل هم در نظریه حکمرانی خوب و هم در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی دارای پشتوانه و مبانی تئوریک و مستدل عمیق بوده و در عالم سیاست نیز مورد اقبال روزافزون مردم قرار گرفته است. با توجه به احادیث متعدد در آموزه‌های دین مبین اسلام، اصل عدم احتجاج زمامداران از مردم (نهان

شدن از مردم و عدم ارتباط با آنها)، یک اصل پذیرفته شده است و به اصطلاح امروزی، شفافیت قرابت فراوانی دارد (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۵: ۵-۶).

مبنای شفافیت در اسلام را می‌توان اصل شورا و مشورت در نظر گرفت که زمینه مشارکت همه شهروندان و طرف قرار گرفتن آنها در سیاست‌گذاری‌ها را فراهم می‌سازد. در تاریخ صدر اسلام نمونه‌های متعددی از طرف مشورت قرار گرفتن مردم را می‌توان مشاهده کرد (مشورت پیامبر با اصحاب در غزوه بدر درباره اصل جنگ، مشاورت با اصحاب در جنگ احزاب یا مشورت با آنها در صلح حدیبیه و...). در شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی علاوه بر طرف مشورت قرار گرفتن مردم می‌توان به وجود یک شبکه نظارتی به منظور جمع‌آوری اطلاعات درباره عملکردها، حسابرسی از کارگزاران، به‌کارگیری نظارت مردمی، وجود سامانه قضایی مستقل و کارآمد در حوزه عدالت قضایی، لزوم پاسخ‌گویی به مردم و داشتن ارتباط مستمر و بدون واسطه با آنها و... را به شمار آورد (حبیب‌نژاد و عامری، ۱۳۹۵: ۲۳). از آثار شفافیت از منظر تفکر اسلامی می‌توان به جلوگیری از فساد (که اغلب در محیط‌های غیرشفاف و با نام محرمانگی شکل می‌گیرد)، دفع شبهات و احتراز از سوء ظن، کسب اعتماد و رضایت عمومی، نزدیکی مردم به حکومت و... اشاره کرد (طاهری و ارسطا، ۱۳۹۸: ۹۷-۹۱).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم می‌توان به اصولی همانند اصل ۴۹ (اعاده ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه‌کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیر مشروع را گرفته و به صاحب حق یا به بیت‌المال رد کند) یا اصل ۱۴۲ در خصوص رسیدگی به اموال مسئولان قبل و بعد از مسئولیت و... اشاره کرد. در بیانیه گام دوم رهبری معظم انقلاب^(مدظله‌العالی)، از بحث شفافیت و سلامت مالی مسئولان نیز در دولت شایسته تراز انقلاب اسلامی، مباحثی را اختصاص داده و طهارت اقتصادی و پاسخ‌گویی به مردم را از الزامات حکمران سیاسی در نظام جمهوری اسلامی می‌داند.

۹-۴. مسئولیت‌پذیر، خدمتگزار و شایسته‌سالار

یکی از تفاوت‌های اصلی جهان‌بینی اسلامی با مکتب‌های اومانیستی دنیای امروز، در نوع نگاه آن‌ها به انسان و حیطة وظایف و اختیارات او است. در جهان‌بینی اسلامی و بر اساس آموزه‌های قرآنی و روایی، مسئولیت انسان در حوزه‌های مختلف تعاملات روزمره او گسترده است و انسان از آن جهت که خلیفه‌الله و خلق‌شده از فطرت پاک الهی است، دارای مسئولیت‌های خاصی در ارتباط با خداوند خویش، سایر انسان‌ها و جهان هستی است که در صورت توجه، پذیرش و شکوفاسازی تمام آن‌ها، زندگی آدمی، نظامی مطلوب به خود می‌گیرد و انسان به کمال شایسته خود رهنمون می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۵)، درحالی‌که در نظام‌های غربی، ملاک واگذاری مسئولیت‌ها به حکمرانان بر اساس قانون و تخصص تعیین می‌شود. در نظام اسلامی علاوه بر وجود قانون و همچنین اعتقاد به تخصص، به ملاک‌های دیگری هم نظیر تقوا، حسن خلق شخص مسئول و... توجه می‌شود و توفیق یافتن شخص در ارتباط با خدمتگزاری به مردم و خدمت‌رسانی به آن‌ها یک توفیق و نعمت و هم‌ردیف با عبادات محسوب شده است.

در نظام اسلامی مسئولیت و مظاهر وظایف کارگزاران در برابر مردم را می‌توان شامل مواردی نظیر مهرورزی و مدارا با مردم، برخورد صادقانه با آن‌ها، دیدار حضوری و چهره به چهره با مردم و تلاش برای حل مشکلات و رفع آن‌ها، رعایت عدالت میان مردم از سوی کارگزار، امانت‌داری، ساده‌زیستی و پرهیز از خلق و خوی اشرافی‌گری، خودمحور و استبدادی عمل نکردن آن‌ها و... دانست.

از سویی دیگر یکی از اهداف انقلاب اسلامی ایران هم مبنا قرار دادن فرهنگ و معارف اسلامی در همه شئون فردی و اجتماعی در کشور است و شایسته‌سالاری هم در کنار مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری از جمله موضوعاتی است که ریشه در اعتقادات، باورها و فرهنگ غنی ایرانی-اسلامی دارد. اهمیت شایسته‌سالاری به‌گونه‌ای است که رمز توسعه‌یافتگی و پیشرفت روزافزون تمامی ملل جهان محسوب می‌شود که این خود نیز نیازمند ترویج فرهنگ شایسته‌سالاری در کشور است (حبی، ۱۳۹۰: ۲۵). قانون اساسی هم ملاک‌ها و معیارهای متعددی برای مسئولیت‌پذیری کارگزاران در نظام اسلامی نظیر صلاحیت علمی، عدالت و تقوای الهی، بینش سیاسی-اجتماعی و ویژگی‌های شخصیتی

مانند شجاعت، مدیریت و... معین کرده تا فرهنگ شایسته‌سالاری در کل جامعه تسری یابد (اصول سوم، صدوهفت، صدونهم، صدویازده، صدوپانزده و... قانون اساسی).

یکی از راهبردهای رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم تبیین و تشریح وضعیت کشور در شرایط انقلابی، احصاء دستاوردهای انقلاب، تبیین شرایط موجود و ظرفیت‌ها و استعدادهای کشور برای انتقال فرآیند مسئولیت‌پذیری نسل جوان در دهه پیش‌رو و دهه‌های آینده است. در واقع علاوه بر تصویرسازی از آینده که شاکله اصلی بیانیه گام دوم که همانا ترسیم چشم‌انداز متعالی انقلاب - برپایی تمدن نوین اسلامی - است، روح حاکم بر بیانیه آماده‌سازی نسل جوان برای پذیرش مسئولیت‌ها و خدمتگزاری به کشور است. مقوله مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری جوانان در اندیشه رهبری انقلاب در همه ابعاد به کشور، به نوعی جهاد تعبیر شده، به‌عنوان مثال در متن بیانیه در خصوص دعوت جوانان به جهاد علمی تصریح می‌فرماید که «اینک مطالبه عمومی من از شما جوانان آن است که این راه را با احساس مسئولیت بیشتر و همچون یک جهاد در پیش گیرید». از آنجایی که در اندیشه رهبری، راه‌حل غالب شدن بر مشکلات و موانع پیش‌روی کشور، مدیریت جهادی و کارآمد با به‌کارگیری جوانان مؤمن و انقلابی است، یکی دیگر از الزامات تحقق حکمرانی شایسته تراز انقلاب، مؤلفه مسئولیت‌پذیری و خدمتگزاری خواهد بود.

۱۰-۴. معتقد به اقتصاد مقاومتی

اعمال تحریم‌های یک‌جانبه و غیرقانونی همواره یکی از ابزارهای نظام سلطه برای وادار ساختن ایران به عقب‌نشینی از اهداف خود در عرصه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بوده و ایالات متحده آمریکا که از جمله پیشتازان عرصه اعمال تحریم‌ها علیه جمهوری اسلامی است، در طی چهل سال گذشته از اعمال هیچ تحریمی دریغ نکرده است. در مقابل اتخاذ چنین رویکرد ظالمانه‌ای، رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) با شناسایی دقیق و حکیمانه نقاط آسیب‌پذیر کشور به‌خصوص در بحث اقتصاد، راهبرد اقتصاد مقاومتی را مطرح و از آن به‌عنوان روشی مهم در مسیر اقتصادی کشور یاد کرده‌اند.

البته نباید از این نکته هم غفلت کرد که یکی از الزامات اصلی انقلاب اسلامی عدم تکیه بر نظریه‌های رایج و متعارف و مکلف بودن آن به نوآوری و نظریه‌پردازی و الگوسازی در عرصه‌های مختلف است که الگوی اقتصاد مقاومتی یکی از این مفاهیم است (فشاری و جوادپور، ۱۳۹۳: ۴۰-۲۹).

درواقع این مدل اقتصادی در رویارویی و تقابل با اقتصاد وابسته و مصرف‌کننده یک کشور قرار می‌گیرد که منفعل نیست و در مقابل فشارها و اهداف اقتصادی سلطه‌گران ایستادگی کرده و سعی در تغییر ساختارهای اقتصادی موجود و بومی‌سازی آن‌ها بر اساس جهان‌بینی و اهداف دارد. از مهم‌ترین محورهای اساسی مدل بومی اقتصاد مقاومتی می‌توان به حمایت از تولید ملی، مردمی کردن اقتصاد مبتنی بر سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، توجه به نخبگان اقتصادی و استفاده از فناوری‌های و فناوری‌های نوین و... اشاره کرد.

سیر جهت‌گیری‌های رهبری انقلاب در سال‌های اخیر هم بیانگر آن است که اقتصاد و مشکلات اقتصادی بر سر راه کشور، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های ایشان بوده، به گونه‌ای که در ده سال اخیر بیشترین فراوانی نام‌گذاری سال‌ها هم به اقتصاد و مشتقات آن اختصاص داده شده است. رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در بیانیه گام دوم به‌عنوان یک سند راهبردی، یکی از توصیه‌های مهم خود را به بحث اقتصاد و به دنبال آن اقتصاد مقاومتی اختصاص داده است. در متن بیانیه گام دوم پس از برشمردن مشکلات اقتصادی کشور در سه بخش ساختار اقتصادی معیوب، مشکلات مدیریتی و تحریم‌های ظالمانه، «راه‌حل این مشکلات را، سیاست‌های اقتصاد مقاومتی می‌داند که باید برنامه‌های اجرایی برای همه بخش‌های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت، در دولت‌ها پیگیری و اقدام شود».

اجرای شدن این رهنمودها در بیانیه گام دوم انقلاب هم بر عهده جوانان مؤمن و انقلابی گذاشته شده که لازمه آن شکل‌گیری و وجود دولت شایسته تراز انقلاب خواهد بود، دولتی که با بهره‌گیری از همه استعدادها و ظرفیت‌های کشور که در متن بیانیه نیز تعدادی از آن‌ها برشمرده شده، با اعتقاد به ایده اقتصاد مقاومتی و با تکیه بر توان داخلی این مهم را به سرانجام برساند.

تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری

در بیش تمدنی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی و احیای عظمت اسلام، مراحل پنج‌گانه‌ای شامل (انقلاب اسلامی، برپایی نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت تمدن نوین اسلامی) ترسیم گردیده است. با وجود گذشت بیش از چهل سال از عمر انقلاب و با وجود پیشرفت‌های عظیمی که در طی این چهار دهه به دست آمده، اما در مسیر تمدن‌سازی نوین اسلامی در سومین مرحله آن، یعنی شکل‌گیری دولت اسلامی هنوز شکل نگرفته و تا زمانی که دولت اسلامی در تراز گفتمان اسلام و انقلاب اسلامی شکل نگیرد، نمی‌توان دو مرحله بعدی آن را با موفقیت پشت سر گذاشت. در پژوهش پیش‌رو سعی گردید با بهره‌گیری از نظریه‌های حکمرانی خوب و مهم‌تر از آن، نظریه حکمرانی شایسته اسلامی که مدل‌سازی آن از دولت‌های نبوی و علوی اخذ و اقتباس گردیده، الزامات حکمرانی سیاسی دولت شایسته تراز انقلاب مشخص و بر طبق بیانیه گام دوم انقلاب به‌عنوان یک سند راهبردی مطابقت داده شود. یافته‌های پژوهش به اختصار آورده شده است:

۱. شاخصه‌های حکمرانی شایسته که از مدل دولت‌های نبوی و علوی اقتباس گردیده، در مقایسه با نظریه حکمرانی خوب که یک نظریه وارداتی است، از جامعیت نظری و عملی کامل‌تری برخوردار است و بسیاری از شاخصه‌های مورد نیاز در یک حکمرانی تراز و الگو که در نظریه حکمرانی خوب یافت نمی‌شود، ولی در نظریه حکمرانی شایسته اسلامی می‌توان آن‌ها را سراغ گرفت.

۲. در متن بیانیه گام دوم انقلاب، به‌عنوان یک سند راهبردی که با نگاه آینده‌نگارانه رهبر معظم انقلاب نگارش یافته و چشم‌انداز آینده انقلاب که همانا دستیابی به آرمان بزرگ انقلاب و برپایی تمدن نوین اسلامی در آن صیقل یافته، شاخصه‌ها و پیشران دستیابی به آن نیز تعبیه گردیده و رهبری انقلاب نیز آن را تبیین کرده‌اند. بررسی پیشران‌های تمدن‌سازی بر مبنای بیانیه گام دوم انقلاب بیانگر آن است که این پیشران‌های آینده‌ساز به‌طور عمده از نوع ماهیتی و اصیل انقلاب اسلامی که همانا مؤلفه‌های نرم بوده و به تصویرگری و آرمان بزرگ انقلاب شکل خواهند بخشید.

۳. در این پژوهش با تبیین نظریه حکمرانی شایسته اسلامی و تدقیق در بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مدل مفهومی پژوهش ترسیم گردید، سپس شاخصه‌های دولت تراز انقلاب بر اساس نظرات خبرگان دانشگاهی احصا و تبیین شده‌اند. مهم‌ترین این شاخصه‌ها عبارت بودند از: معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، شایسته‌سالاری، عقلانیت‌محوری، مشارکت‌جویی، قانون‌محوری، شفافیت‌گرایی و بوم‌گرایی اقتصادی... که برای ورود به مرحله بعدی، یعنی جامعه‌سازی و درنهایت تمدن نوین اسلامی ضروری هستند.

۴. دولت شایسته تراز انقلاب که رسالت اصلی آن تحقق تمدن نوین اسلامی است، دارای پشتوانه‌های قرآنی و روایی است و در منظومه فکری حضرت امام (ره) و رهبری انقلاب که برگرفته از همان پشتوانه‌ها است نیز شاخصه‌های حکمرانی شایسته تراز انقلاب قابل کشف و تبیین است و با شکل‌گیری دولت تراز انقلاب و الگو است که زمینه دستیابی به تمدن نوین در سطح جهان اسلام فراهم می‌گردد.

۵. بررسی و تحلیل شاخصه‌های شناسایی شده دولت تراز انقلاب اسلامی، منطبق بر بیانیه گام دوم، بیانگر آن است که در بطن گفتمان تحول‌خواهانه انقلاب اسلامی به علت داشتن الگوی راهبردی مرجع (دولت‌های نبوی و علوی) و پشتوانه تئوریک آن که برگرفته از قرآن و سنت است، ظرفیت‌های متعددی وجود دارد. اسناد راهبردی همانند بیانیه گام دوم انقلاب، این ظرفیت‌ها را بیشتر از پیش نمایان می‌سازد؛ بنابراین ضرورت دارد با گفتمان‌سازی از این بیانات و اسناد مرجع و تسری آن‌ها به لایه‌های نظام سیاسی، نهادهای عمومی و سطوح مختلف جامعه، این شاخصه‌ها را نهادینه‌سازی کرد و آن‌ها را به یک خواست و مطالبه عمومی تبدیل نمود.

۶. شاخصه‌هایی که در این پژوهش در خصوص دولت تراز انقلاب اسلامی شناسایی و تبیین گردید، الزاماتی نیز دارد، گرچه الزامات دولت تراز انقلاب در مجال این پژوهش نمی‌گنجد و نیازمند پژوهش مستقل دیگری است، اما به صورت اجمالی می‌توان گفت تبیین مؤلفه‌های گفتمان متعالی انقلاب اسلامی و بسط و تشریح اندیشه‌های حضرت امام (ره) و رهبری معظم انقلاب (مدظله‌العالی) در جهت تربیت

نیروهای مؤمن و انقلابی برای تداوم عزتمندانه مسیر انقلاب، ساختارسازی انقلابی بر مبنای شاخصه‌هایی احصاء شده، شکل‌گیری دولت انقلابی (در سطح سه قوه و تمامی ارکان ساختاری) که دغدغه‌مند عملی نمودن اندیشه‌های حضرت امام (ره) و منویات رهبری انقلاب (مدظله‌العالی) در صدر اولویت‌های آن باشد و... از الزامات اولیه پیاده‌سازی الگوی دولت تراز انقلاب است.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آرای، وحید (۱۳۸۸)؛ *حکمرانی خوب مشابه آرمان نظارت و ارزیابی*، گزارش شماره ۶.
۳. امینی، سید جواد و مبینی، محمد؛ تبیین مفهوم راهبردی نظریه نظام انقلابی در جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، پاییز ۱۳۹۸، شماره ۳۰، صص: ۲۳-۴۸.
۴. بنی‌هاشمی، میرقاسم (۱۳۹۵)؛ *انتخابات، ثبات سیاسی و امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۵. پاپ، جرمی (۱۳۸۵)؛ پارلمان و قانون‌گذاری علیه فساد، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال ۱۳، شماره ۵۲، صص ۶۱-۷۸.
۶. جواد آملی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ *گستره دین*، قم، نشر اسراء.
۷. حبیب نژاد، احمد و زهرا عامری (۱۳۹۵)؛ شاخص‌های شفافیت در حکومت اسلامی با تاکید بر حکومت علوی، *فصلنامه حقوق اسلامی*، سال ۱۳ شماره ۴۹، صص ۱۲۹-۱۴۷.
۸. حبی، محمد باقر (۱۳۹۰)؛ *سیاست‌های ترویج فرهنگ شایسته سالاری*، تهران، نشر رادان.
۹. درخشه، جلال و سید مهدی موسوس نیا (۱۳۹۷)؛ مولفه‌های حکمرانی شایسته در سیره حکومتی پیامبر اسلام (ص)، *فصلنامه پژوهش‌های علم و دین*؛ سال نهم، شماره اول.
۱۰. درودگر، محمد جواد (۱۳۸۲) نقش اخلاق و معنویت در کارآمدی نظام اسلامی، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال دوازدهم، شماره دوم، صص ۱-۲۸.
۱۱. سردارنیا، خلیل (۱۳۹۵)؛ ریشه‌های ساختاری فساد اقتصادی در ایران در دو دهه اخیر، *فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌المللی*، سال اول؛ شماره اول، صص ۳۲-۵۴.
۱۲. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۹۳)؛ شاخص‌های تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های قرآن کریم، *فصلنامه آموزه‌های قرآنی*، شماره اول، صص ۶۱-۸۲.
۱۳. طاهری، محسن و محمد جواد ارسطال (۱۳۹۵)؛ بررسی تطبیقی مبانی اصل شفافیت از دیدگاه اسلام و نظریه حکمرانی خوب، *فصلنامه پژوهش حقوق تطبیقی اسلام و غرب*، سال سوم شماره ۳، صص ۱-۲۴.
۱۴. طاهری، محسن و محمد جواد ارسطال و محسن ملک افضلی (۱۳۹۸)؛ مبانی و آثار اصل شفافیت از منظر اندیشه سیاسی اسلام، *فصلنامه سیاست متعالیه*، سال ۷، شماره ۲۴، صص ۸۱-۱۰۰.
۱۵. علی واثق، قادر و سید علی حسینی تاش (۱۳۹۳)؛ حکمرانی خوب و ارائه حکمرانی شایسته، بررسی و شاخص‌های این دو از دیدگاه امیر المومنین علی (ع)، *فصلنامه و پژوهش‌های مدیریتی*، شماره ۸، صص ۲۸-۷.
۱۶. فخر زارع، سید حسین (۱۳۸۸) عدالت جوهره انقلاب اسلامی، *فصلنامه زمانه*، شماره ۸۴ و ۸۵، صص ۶۴-۳۲.

۱۷. فشاری، مجید و غفار جواد پور (۱۳۹۳) بررسی و تبیین الگوی اقتصاد مقاومتی، *مجله اقتصادی*، شماره ۵ و ۶، صص ۴۳-۷۸.
۱۸. قلی پور، رحمت الله (۱۳۸۳) تحلیل رابطه الگوی حکمرانی خوب و فساد اداری، *فصلنامه مدیریت سازمانی*، شماره ۱۰، صص ۱۰۳-۱۲۷.
۱۹. محمدیان مصمم، حسن و سعید ضرغامی (۱۳۹۶)؛ خاستگاه تفکر آرمانی و آرمانشهر در دو مهد عظیم تمدن شرق و غرب، *فصلنامه مطالعات مدیریت شهری*، سال ۹، شماره ۲۹، صص ۵۵-۶۶.
۲۰. مظفری، محمد مهدی و بهنام محمدی (۱۳۹۵)؛ مولفه های مدیریت جهادی در سازمان جهادی، *مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش های نوین در حوزه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی در ایران*، صص ۷۵-۹۴.
۲۱. موسوی الخمينی، روح الله (۱۳۷۴)؛ *صحیفه نور*، تهران، مرکز نشر آثار حضرت امام ره
۲۲. میدری، احمد و جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳)؛ *حکمرانی خوب بنیان توسعه*، دفتر بررسی های اقتصادی، مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی.
۲۳. واعظی، احمد (۱۳۸۲) اسلام و لیبرالیسم، *فصلنامه علوم سیاسی*، سال ششم، تابستان، شماره ۲۲، صص ۴۸-۲۹.